



## تفسیر قرآن کریم (۱۱)

امام خمینی (ره)

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)

﴿وَاذَانَ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ إِنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ

المشركين ورسوله﴾ (توبه/ ۳/۹)

در سوره توبه که امرش در مجمع عمومی در مکه خوانده شود می خوانیم: ﴿وَاذَانَ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ إِنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولَهُ﴾ فریاد براثت از مشرکان در مراسم حج و این یک فریاد سیاسی-عبادی است که رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) به آن امر فرمود.<sup>۱</sup>

خدای تعالی و رسول عظیم الشأن (صلی الله علیه وآله) در روز حج بزرگ ندا دادند و فریاد سردادند که خدا و رسول بری هستند از مشرکان؛ ﴿وَاذَانَ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ إِنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولَهُ﴾. در آن روز خط آمریکا و آخوندهای درباری تأمین کننده منافع شیطان بزرگ نبودند که فتوا دهند العیاذ بالله، خدا و

رسول برخلاف مناسک حج دستور داده و عمل می‌کنند و باید حج از این مسایل به دور باشد. روزی که ولی الله الاعظم امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظاهر شوند و در کعبه ندای عدالت سردهند و برخلاف ظالمان و کافران فریادکشند، همین آخوندها هستند که او را تکفیر کنند و از ستمگران پشتیبانی نمایند.<sup>۲</sup>

فریاد مظلومانه حجاج ایرانی را در مرکز وحی و مهبط ﴿اذان من الله ورسوله الى الناس يوم الحج الاكبر ان الله برى من المشركين ورسوله﴾ در گلو خفه می‌کنند و به کفر آنان فتوا می‌دهند. پس در این مقطع زمانی تکلیف الهی حجاج است که اگر مطلبی از گویندگان شنیدند که بوی ایجاد اختلاف بین صفوف مسلمانان را می‌دهد، انکار کنند و برائت از کفار و سردمداران آنان را از وظایف خود در مواقف کریمه بدانند تا حج آنها حج ابراهیمی ابوالانبیاء (صلوات الله علیه) باشد و حج محمدی (صلی الله علیه وآله وسلم) و الا ﴿ما اکثر الضجيج و اقل الحجيج﴾<sup>۳</sup> درباره آنها صادق است.<sup>۴</sup>

مگر تحقق دیانت جز اعلام محبت و وفاداری نسبت به حق و اظهار خشم و برائت نسبت به باطل است؟ حاشا که خلوص عشق موحدین جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین و منافقین میسر شود و کدام خانه‌ای سزاوارتر از کعبه و خانه امن و طهارت وناس که در آن به هرچه تجاوز و ستم و استثمار و بردگی و یا دون صفتی و نامردمی است عملاً و قولاً پشت شود و در تجدید میثاق ﴿الست بربکم﴾ (اعراف/۷/۱۷۲) بت آله‌ها و اربابان متفرقون شکسته شود و خاطره مهم‌ترین و بزرگ‌ترین حرکت سیاسی پیامبر ﷺ در ﴿واذان من الله ورسوله الى الناس يوم الحج الاكبر﴾ زنده بماند و تکرار شود، چراکه سنت پیامبر ﷺ و اعلان برائت کهنه‌شدنی نیست و نه تنها اعلان برائت به ایام و مراسم حج منحصر نشود که باید مسلمانان فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند و به وسوسه خناسان و شبهات تردید آفرینان و متحجرین گوش فرار دهند و لحظه‌ای از این آهنگ مقدس توحیدی و جهان‌شمولی اسلام، غفلت نکنند که مسلماً جهانخواران و دشمنان ملت‌ها، بعد از این آرام و قرار نخواهند داشت و به حيله‌ها و تزویرها و چهره‌های گوناگون متمسک می‌شوند و روحانی‌نماها و آخوندهای درباری و اجیرشدگان سلاطین و ملی‌گراها و منافقین به فلسفه‌ها و تفسیرها و برداشت‌های غلط و منحرف روی می‌آورند و برای خلع سلاح مسلمانان و ضربه زدن به صلابت و اقتدار

امت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) به هر کاری دست می‌زنند و چه بسا جاهلان متنسک بگویند که قداست خانه حق و کعبه معظمه را به شعار و تظاهرات و راهپیمایی و اعلان برائت نباید شکست و حج جای عبادت و ذکر است نه میدان صف‌آرایی و رزم و نیز چه بسا عالمان متهتک، القاکنند که مبارزه و برائت و جنگ و ستیز، کار دنیاداران و دنیاطلبان بوده است و ورود در مسایل سیاسی، آن هم در ایام حج دون شأن روحانیون و علما می‌باشد.<sup>۵</sup>

﴿قاتلوهم یعدبهم الله بایدیکم ویخزهم وینصرکم علیهم﴾ (توبه/۱۴)

خدا فرموده است: بروید دست ظالم را قطع کنید. ما می‌رویم، آن قدری که قدرت داریم، دست ظالم را، بتوانیم قطع می‌کنیم؛ نتوانستیم، کار خودمان را انجام داده‌ایم. به ما فرموده است که ﴿قاتلوهم﴾؛ خداوند تعزیرشان می‌کند به دست شما. ما مقاتله می‌کنیم، اطاعت است؛ یعنی سر بسته و در بسته در اختیار او باید باشیم، اطاعت بکنیم، دنبال هرچی می‌رویم اطاعت بکنیم. اگر موعظه می‌کنیم برای اطاعت خدا باشد و اگر موعظه می‌شنویم هم برای اطاعت خدا باشد. اگر جنگ می‌کنیم برای خدا باشد، اطاعت خدا باشد و اگر صلح می‌کنیم، اطاعت خدا. هر جا فرموده آن کار را بکنید آن کار را می‌کنیم.<sup>۶</sup>

﴿اجعلتم سقایة الحاج و عمارة المسجد الحرام کمن امن بالله و الیوم الاخر و جاهد

فی سبیل الله لایستوون عند الله و الله لایهدی القوم الظالمین﴾ (توبه/۱۹)

بیت الله الحرام اول بیته است که برای ناس بنا شده، بیت همگانی است.<sup>۷</sup> هیچ شخصیتی و هیچ رژیم و هیچ طایفه‌ای حق تقدم در آن را ندارد. اهل بادیه و صحرانشینان و خانه به دوشان با عاکفان کعبه و شهرنشینان و دولتمردان در آن یکسانند.<sup>۸</sup> این بیت معظم برای ناس بنا شده و برای قیام ناس<sup>۹</sup> و نهضت همگانی و برای منافع مردمی؛ و چه نفعی بالاتر و والاتر از آن که دست جباران جهان و ستمگران عالم از سلطه بر کشورهای مظلوم کوتاه شود و مخازن عظیم کشورها برای مردم خود آن کشورها باشد. بیته که برای قیام تأسیس شده است، آن هم قیام ناس و للناس، پس باید برای همین مقصد بزرگ در آن اجتماع نمود و منافع ناس را در همین مواضع شریف

تأمین نمود و رمی شیطان بزرگ و کوچک را در همین مواقع انجام داد.

مجرد کلیدداری بیت و سقاییت حجاج و عمارت مسجدالحرام کافی نیست و مربوط به مقصد نیست. ساده بودن بیت و مسجد همچون زمان ابراهیم و صدر اسلام و به هم پیوستن مسلمین در آن مکان بی‌آلایش و وافدین بی‌پیرایش، هزاران مرتبه بالاتر است از تزیین کعبه و بناهای مرتفع و غافل شدن از مقصد اصلی که قیام ناس و شهود منافع ناس است. ﴿اجعلتم سقایة الحاج و عمارة المسجد الحرام کمن امن باللّٰه و الیوم الآخر و جاهد فی سبیل اللّٰه لایستوون عنداللّٰه و اللّٰه لایهدی القوم الظالمین﴾، گویی آیه شریفه در عصر ما نازل شده و گویای حال ماست. در عصر حاضر سرگرمی به معیشت حجاج و به عمارت و تزیین مسجدالحرام و غفلت از ایمان به خدا و روز جزا و کناره‌گیری از جهاد فی سبیل اللّٰه را ظلم و کسانی که چنین کنند را ظالم محسوب داشته است. ایمان به خدای تعالی و روز جزا انسان‌ها را به جهاد فی سبیل اللّٰه و قیام برای حق و عدل سوق می‌دهد و خداوند قومی را که چنین نباشند، هدایت نمی‌فرماید که اینان ظالمانند.<sup>۱۰</sup>

و اینک از فرصت استفاده کرده به یکی از آیات کتاب کریم اشاره می‌کنم؛ آن جا که فرموده است: ﴿اجعلتم سقایة الحاج و عمارة المسجد الحرام کمن امن باللّٰه و الیوم الآخر و جاهد فی سبیل اللّٰه لایستوون عنداللّٰه و اللّٰه لایهدی القوم الظالمین﴾. گویی آیه کریمه در همین عصر نازل شده و گویی برای آل سعود و امثال آل سعود در طول تاریخ و برای ملت مجاهد و بزرگ ایران و حجاج بیت اللّٰه الحرام در عصر حاضر و امثال آنان در همه اعصار آمده است. خداوند تعالی می‌فرماید: شما کوردلان، آب‌رسانی به حجاج و تعمیر مسجدالحرام را با ارزش آنانی که ایمان به خدا و به روز جزا آورده و در راه خدا مجاهده می‌کنند، مساوی قرار داده‌اید، حاشا که اینان با شما مساوی نیستند و خداوند ستمگران را هدایت نمی‌کند. آیا سعودی‌ها و امثال آنان در طول تاریخ ارزش خود را برای تهیه آب در مواقع حج و زرق و برق تعمیرات مسجدالحرام را با ارزش‌های مسلمانانی که به خداوند و روز جزا ایمان دارند و با نثار خون خود و جوانان مجاهد خود در راه خدا و برای دفع دشمنان خدا از حریم اسلام و حرم خداوند تعالی به پا خاسته‌اند، مقایسه نکرده‌اند؟ و سعودی‌های عصر حاضر، پا را فراتر از آن گذاشته و بر مسلمانان افتخار نمی‌کنند و با مجاهدان راه خدا آن نمی‌کنند که روی

آمریکای جهانخواه و ارباب خود را سفید کرده است؟ و جالب توجه این که خداوند در این آیه، ایمان به خدا و روز جزا را ذکر فرموده و از میان تمام ارزش های اسلامی و انسانی، مجاهده در راه خدا را با دشمنان خدا و بشریت انتخاب کرده است و در این انتخاب به همه مسلمانان تعلیم فرموده است که ارزش جهاد فوق همه ارزش هاست. و آیا خداوند با ذکر ﴿وَاللّٰهُ لَيَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِينَ﴾ نمی خواهد بفرماید خداوند سعودی های عصر را و تمام اعصار تاریخ را ستمگرانی بیش نمی داند که قابل هدایت نیستند و خداوند آنان را هدایت نمی فرماید؟ آیا ستمکاری بر حق و خلق و بر رسول خدا و امت بزرگوار حضرت رسول خاتم، بالاتر از آنچه آل سعود با کعبه و حرم امن الهی و با زائران مجاهد آن، که همه چیز و همه کس خود را در راه دوست و آرمان اسلام تقدیم کردند، می توان تصور کرد؟<sup>۱۱</sup>

﴿قُلْ اِنْ كَانَ اٰبَاؤُكُمْ وَاٰبَاؤُكُمْ وَاٰخْوَانُكُمْ وَاَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيْرَتُكُمْ وَاَمْوَالٌ اٰقْتَرَفْتُمُوْهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا اِحْبِبَّ اِلَيْكُمْ مِنَ اللّٰهِ وَرَسُوْلِهِ وَجِهَادٌ فِىْ سَبِيْلِهِ فَتَرْبِّصُوْا حَتّٰى يَأْتِيَ اللّٰهُ بِاَمْرِهِ وَاللّٰهُ لَيَهْدِي الْقَوْمَ الْفٰسِقِيْنَ﴾  
(توبه/۹/۲۴)

در این کتاب جاوید می بینیم که فرموده ﴿قُلْ اِنْ كَانَ اٰبَاؤُكُمْ وَاٰبَاؤُكُمْ وَاٰخْوَانُكُمْ وَاَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيْرَتُكُمْ وَاَمْوَالٌ اٰقْتَرَفْتُمُوْهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا اِحْبِبَّ اِلَيْكُمْ مِنَ اللّٰهِ وَرَسُوْلِهِ وَجِهَادٌ فِىْ سَبِيْلِهِ فَتَرْبِّصُوْا حَتّٰى يَأْتِيَ اللّٰهُ بِاَمْرِهِ وَاللّٰهُ لَيَهْدِي الْقَوْمَ الْفٰسِقِيْنَ﴾؛ خطاب به مصلحت اندیشان و سازشکاران و متأسفان برای شهادت جوانان و ازدست رفتن مال ها و جان ها و خسارت های دیگر وارد شده و جالب آن که بعد از حب خدای تعالی و رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) در بین تمام احکام الهی، جهاد فی سبیل الله را ذکر فرموده و تنبه داده که جهاد فی سبیل الله در رأس تمام احکام است که آن حافظ اصول است و تذکر داده که در صورت قعود از جهاد، منتظر عواقب آن باشید، از ذلت و اسارت و برباد رفتن ارزش های اسلامی و انسانی و نیز از همان چیزها که خوف آن را داشتید، از قتل عام صغیر و کبیر و اسارت ازواج و عشیره. و بدیهی است که همه اینها پیامد ترک جهاد، خصوصاً جهاد دفاعی است که ما اکنون گرفتار آن هستیم و اشاره به این امر است آیه کریمه ﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِيْنَ يَخٰلَفُوْنَ عَنِ اَمْرِ

ربه ان تصیبهم فتنة او یصیبهم عذاب الیم﴾ (نور/۲۴/۶۳) و کدام فتنه و بلیه بالاتر از آنچه دشمنان اسلام، خصوصاً در این زمان برای برچیدن اساس اسلام و برپا کردن حکومت‌هایی مثل ستمشاهی و برگرداندن مستشاران غارتگر و بربادرفتن حرث و نسل ملت و بر سر کشور و ملت ایران، آن آید که بر سر کشور عراق و ملت مظلوم آن در این چندسال آمد.<sup>۱۲</sup>

﴿یوم یحیی علیها فی نار جهنم فتکوی بها جباههم وجنوبهم وظهورهم هذا ما کنزتم لأنفسکم فذوقوا ماکنتم تکنزون﴾ (توبه/۹/۳۵)

مثل توجه به دنیا و تعلق به آن، مثل مخدراتی است که انسان را از خود بیخود نموده و سلب علاقه روح از دنیای بدن باعث به خود آمدن آن است و همین که به خود آمد، آلام و اسقام و امراضی که در باطن ذات داشت همه به او هجوم کند و تمام آنها که تا آن وقت مخفی بوده و مثل آتشی بوده که در زیر خاکستر پنهان بوده هویدا گردد. و آن امراض و آلام یا از او زایل نشود و ملازم او باشد؛ یا اگر زایل شدنی باشد، پس از هزاران سال در تحت فشارها و زحمت‌ها و آتش‌ها و داغ‌ها مرتفع شود: **آخر الدواء السکی**<sup>۱۳</sup> قال تعالی: **یوم یحیی علیها فی نار جهنم فتکوی بها جباههم وجنوبهم وظهورهم.**<sup>۱۴</sup>

﴿وقاتلوا المشرکین كافةً کما یقاتلونکم كافةً﴾ (توبه/۹/۳۶)

پیغمبر اسلام در دسترس همه است، ملاحظه کنند ببینند که آیا اسلام آمده است که مردم را تخدیر کند؟ خواب کند؟ یا اینکه قرآن یک کتاب سلحشوری است، قرآن یک کتاب جنگجویی است در مقابل مشرکین، مشرکینی که قدرتمند بودند. اینکه می فرماید: ﴿قاتلوا المشرکین كافةً﴾ مشرکین در آن وقت همان قدرتمندها بودند، مشرکین قریش همه قدرت دست آنها بود.<sup>۱۵</sup>

﴿وان جهنم لمحیطة بالکافرین﴾ (توبه/۹/۴۹)

اول قدم این است که انسان قیام کند، قیام لله، بیدار بشود، خواب نباشد مثل ما، ما الآن خوابیم در صورت بیدار، بیداری حیوانی است و خواب انسانی، ما خوابیم همه الآن

خوابیم وقتی که موت حاصل شد آن وقت تنبّه پیدامی شود که چه هیاهو بوده است. ﴿انَّ جَهَنَّمَ لَمَحِيْطَةٌ بِالْكَافِرِيْنَ﴾ یعنی الآن هم محیط است منتها چون در خدر طبیعت است آدمی است که طبیعت تخدیرش کرده است ادراک نمی کند وقتی این تخدیر برداشته بشود می بیند که همه آتش است.<sup>۱۶</sup>

بهشت را اعمال شما آباد می کند و جهنم را هم اعمال ما می افروزد. ما الان در صراط هستیم، همان صراطی که یک طرفش دنیا است، یک طرفش عاقبت. و ما الان داریم حرکت می کنیم. این پرده که برداشته شد، آن وقت صراط جهنم که از متن جهنم می گذرد؛ یعنی، آتش دورش را گرفته، این از وسط این جا می گذرد، باید از این جا عبور کنید. دنیا همین جور است. فساد که همان آتش است بر شما احاطه کرده، باید از همین بین فساد عبور کنید، به طوری که سالم عبور کنید، انبیا عبور می کنند، ﴿جَزَا وَهِيَ خَامِدَةٌ﴾<sup>۱۷</sup>؛ آنها آتش خاموش است برایشان، همان طور که برای حضرت ابراهیم در این جا خاموش بود، سرد بود، آتش خاموش است. مؤمنین هم با سلامت می گذرند، آتش خاموش نیست اما آتش به آنها ضرر نمی زند. انعکاس همین دنیا است، یک چیز دیگری نیست، همین است که این جاست، همه چیزهایی که در آن عالم واقع می شود عکس العمل همین چیزهایی است که در این عالم است. الان صراط ما در صراط هستیم و الان صراط در متن جهنم است و الان صراط برای انبیای بزرگ و اولیای بزرگ خاموش است. جهنم خاموش است و الان برای مؤمنین سالم است و برای دیگران محیطه بالکافرین؛ ﴿وان جهنم لمحيطه بالکافرین﴾؛ این الان احاطه دارد نه «سیحیط». الان محیط است، منتها نمی توانیم حالا ادراک کنیم. این چشم بسته است، الان، آن حجاب است. حجاب که برداشته شد؛ آن که اهل جهنم است می بیند توی جهنم است. حجاب که برداشته شد؛ آن که اهل بهشت است می بیند در بهشت است، برزخ هم برای او بهشت است، برزخ هم برای آن طرف دیگر جهنم است.<sup>۱۸</sup>

﴿وَلَا يَتَوَنَّى الصَّلَاةَ اِلَّا وَهْمَ كَسَالِيٍّ وَلَا يَنْفَقُونَ اِلَّا وَهْمَ كَارِهُونَ﴾ (توبه/ ۵۴)

عبادات از روی نشاط و بهجت بجا آورده شود و از تکلف و تعسف و کسالت به کلی احتراز شود تا حال محبت و عشق به ذکر حق و مقام عبودیت رخ دهد و انس و تمکن حاصل آید. و انس به حق و ذکر او، از اعظم مهماتی است که اهل معرفت را به آن عنایت

شدید است و اصحاب سیر و سلوک برای آن تنافس کنند. و چنانچه اطباء را عقیده آن است که اگر غذا را از روی سرور و بهجت میل کنند زودتر هضم شود، همین طور طبّ روحانی اقتضای کند که اگر انسان غذاهای روحانی را از روی بهجت و اشتیاق تناول کند و از کسالت و تکلف احتراز کند، آثار آن در قلب زودتر واقع شود و باطن قلب با آن زودتر تصفیه شود.

و اشاره به این ادب در کتاب کریم الهی و صحیفه قویم ربوبی شده است آن جا که در تکذیب کفّار و منافقین فرماید: لا یاتون الصلوة الا وهم کسالی ولا ینفقون الا وهم کارهون. و آیه شریفه 'لاتقربوا الصلوة وانتم سکاری(نساء/۴۳/۴) در حدیثی به کسالت تفسیر شده<sup>۱۹</sup> و در روایات<sup>۲۰</sup> اشاره به این ادب نموده اند.<sup>۲۱</sup>

﴿والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف وینهون عن المنکر ویقیمون الصلوة ویؤتون الزکوة ویطیعون الله ورسوله اولئک سیرحهم الله ان الله عزیز حکیم﴾  
(توبه/۷۱/۹)

به روایات امر به معروف و نهی از منکر مراجعه فرمایید؛ در آن روایات عمل بعضی را که برای فرار از امر به معروف و نهی از منکر مرتباً عذر تراشی می کنند، تقبیح می کند و آن سکوت را عیب می شمرد.<sup>۲۲</sup>

﴿والله یقول ولا تخشوا الناس واخشون﴾ (مائده/۴۴/۵) و خدا می فرماید که از آنها نترسید. چه ترسی دارید؟ جز این نیست که شما را زندانی می کنند؛ بیرون می کنند؛ می کشند؛ اولیای ما برای اسلام جان دادند؛ شما هم باید برای این امور آماده باشید و قال: ﴿والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف وینهون عن المنکر...﴾ و در ذیل آیه می فرماید: ﴿ویقیمون الصلوة ویؤتون الزکاة ویطیعون الله ورسوله...﴾.

فبدء الله بالأمر بالمعروف والنهي عن المنکر فريضة منه لعلمه بأنها إذا أدیت وأقيمت استقامت الفرائض كلها هيئتها وصعبها وذلك أن الأمر بالمعروف والنهي عن المنکر دعاء الى الاسلام مع ردّ المظالم ومخالفة الظالم وقسمة الغنيء والغنائم وأخذ الصدقات من مواضعها ووضعها في حقها.

اگر امر به معروف و نهی از منکر به خوبی اجرا شود، دیگر فرائض قهراً



برپا خواهد شد. اگر امر به معروف و نهی از منکر اجرا شود، ظلمه و عمالشان نمی‌توانند اموال مردم را بگیرند و به میل خود صرف کنند؛ و مالیات‌های مردم را تلف نمایند. امر به معروف و ناهی از منکر دعوت به اسلام و رد مظالم و مخالفت با ظالم می‌کند. ۲۳

### ﴿ورضوان من الله اکبر ذلک هو الفوز العظیم﴾ (توبه/۹/۷۲)

یکی دیگر از مطالب قرآن شریف، احوال معاد و برامین بر اثبات آن و کیفیت عذاب و عقاب و جزا و ثواب آن و تفاسیل جنت و نار و تعذیب و تنعیم است. و در این قسمت حالات اهل سعادت و درجات آنها از اهل معرفت و مقربین و از اهل ریاضت و سالکین و از اهل عبادت و ناسکین و همین‌طور حالات و درجات اهل شقاوت از کفار و مجبوبین و منافقین و جاحدین و اهل معصیت و فاسقین مذکور است. ولی آنچه به حال عموم بیشتر فایده داشته، بیشتر مذکور و با صراحت لهجه است؛ و آنچه برای یک طبقه خاصه مفید است، به طریق رمز و اشاره مذکور است، مثل ﴿ورضوان من الله اکبر﴾ و آیات لقاء الله برای آن دسته و مثل ﴿کلا انهم عن ربهم یومئذ لمحجوبون﴾ (مطففین/۸۳/۱۵) برای دسته دیگر. ۲۴

### ﴿ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم واموالهم بان لهم الجنة یقاتلون فی

سبیل الله فیقتلون ویقتلون﴾ (توبه/۹/۱۱۱)

آنچه هست این است که شما از خدا هستید، برای خدا هم خواهید بود و خدا هم اجر شما را می‌دهد. اجری که خدا می‌دهد، آن ارزش دارد، ارزش عمل شما آن است که خدا به شما می‌دهد ﴿ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم واموالهم بان لهم الجنة﴾ جنت، آن جنتی که لقاء خداست، جنتی که لقاء دوستان خداست، آن برای شما کافی است و از آن که گذشت، دیگر در عالم طبیعت نمی‌شود برای اعمالی که برای خداست یک چیزی قرارداد- او- هرچه مربوط به عالم طبیعت است مادون آن چیزی است که برای خداست. ۲۵

خداوند به شما یک همچو نعمتی داده است که شما را با عنایت ذاتی خودش، با دست غیبی خودش متحول کرده است به یک انسان‌های خالص برای خود و

انسان‌هایی که جان و هرچه دارند، در راه خدا ایثار می‌کنند. ﴿ان الله اشترى من المؤمنین انفسهم واموالهم بان لهم الجنة﴾ این جنتی که مشتری به شما عطا می‌کند، با جنتی که دیگران برای آنها تحقق پیدا می‌کند، فرق دارد. امیدوارم که این جنت، جنت لقاء باشد. امیدوارم که مشتری شما، شما را در حضور خود پذیرایی کند. اولیاء خدا در آن عالم هم که هستند، به غیر خدا سرگرم نیستند. نعمت‌های بهشت را از آن می‌گذرند و متوجه به لقاء حق تعالی هستند و شما که جان‌نثاری دارید می‌کنید و ایثار می‌کنید و بایده شهادت به میدان‌های جنگ می‌روید و از اسلام دفاع می‌کنید و از مکتب دفاع می‌کنید و کشورهای را که طمع به این کشور دوخته‌اند مأیوس می‌کنید، همه اینها ارزشمند و بسیار ارزشمند است، لکن آن اخلاص و محبت شما و آن ایثار در راه خدا بالاترین ارزش است برای شما. آن ایثار و اخلاص است که حتی در ترازوی عالم غیب هم نمی‌شود که سنجش بشود. آن پیش‌خداوند تبارک و تعالی سنجش می‌شود.<sup>۲۶</sup>

و عبد سالک باید در این اذکار شریفه که روح معارف است حال تبیت و تضرع و انقطاع و تذلل را در قلب تحصیل کند و به کثرت مداومت، باطن قلب را صورت ذکر دهد و حقیقت ذکر را در باطن قلب متمکن سازد، تا قلب متلبس به لباس ذکر شود و لباس خویش که لباس بُعد است، از تن بیرون آورد؛ پس، قلب الهی حقیقی شود و حقیقت و روح ان الله اشترى من المؤمنین انفسهم در آن متحقق گردد.<sup>۲۷</sup>

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ (توبه/۹/۱۱۹)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ. هفت حدیث از اهل سنت وارد شده است که این آیه درباره‌ی علی بن ابیطالب است.<sup>۲۸</sup> ابن شهر آشوب از طریق سنیان از تفسیر ابویوسف یعقوب بن سفیان نقل کند که گفت<sup>۲۹</sup>: مالک بن انس از نافع از ابن عمر حدیث کرده که خداوند اصحاب پیغمبر را امر کرده که از خدا بترسید و با صادقین باشید یعنی محمد و اهلبیت او.<sup>۳۰</sup>

۱. صحیفه نور، ۹۰/۱۸.

۲. همان، ۳۴/۱۹.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ۱۸۱/۲۷.

۴. صحیفه نور، ۱۹/۴۶.
۵. همان، ۲۰/۱۱۱.
۶. همان، ۱۹/۱۳۰-۱۳۱.
۷. اشاره به آیه ۹۶ سورة آل عمران.
۸. اشاره به آیه ۲۵ سورة حج.
۹. اشاره به آیه ۹۷ سورة مائده.
۱۰. صحیفه نور، ۱۹/۴۳-۴۴.
۱۱. همان، ۲۰/۱۳۶-۱۳۵.
۱۲. همان، ۲۰/۱۰۹.
۱۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۶۸.
۱۴. شرح جهل حدیث یا اربعین حدیث، ص ۲۰۷، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۵. صحیفه نور، ۷/۲۰۴.
۱۶. تفسیر سورة حمد، ص ۵۴.
۱۷. مجلسی، بحار الانوار، ۸/۲۵۰، باب النار.
۱۸. صحیفه نور، ۱۹/۲۰-۲۱.
۱۹. نورالقلین، ۱/۴۸۳، ح ۲۶۱.
۲۰. اصول کافی، ۳/۱۳۸، ح ۶؛ بحار الانوار، ۷۵/۳۷۷، ح ۳.
۲۱. آداب الصلوة، ص ۲۴، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۲۲. فروع کافی، ۵/۵۵-۶۰، احادیث ۱، ۲، ۵، ۱۱. مطالعات فرهنگی
۲۳. ولایت فقیه امام خمینی (س)، ص ۱۰۵-۱۰۶.
۲۴. آداب الصلوة، ص ۱۹۰.
۲۵. صحیفه نور، ۹/۱۴۹.
۲۶. همان، ۱۶/۱۳۱.
۲۷. آداب الصلوة، ص ۳۷۳.
۲۸. مجلسی، بحار الانوار، ۲۴/۳۰ به بعد.
۲۹. همان، ۲۴/۳۲، ح ۸.
۳۰. کشف الاسرار، ص ۱۳۹.